

هویتی یویا

«من؟ من قومی؟ من نژادی؟ من ایرانی؟ یا من...؟
آن من اصیلی که جوهر حقیقی انسان است، همان که انسانیت اوست، اما نه انسانیت اومانستی بی تعلق و معلق بین زمین و آسمان که هرکس استنباطی از آن دارد. بلکه آن انسان الهی که برخوردار از فطرت خداگاهی، خداخواهی، عدالت‌طلبی، نوع‌دوستی، فضیلت‌گرایی، ظلم‌ستیزی، حقیقت‌جویی، زیبایی‌دوستی و خلاقیت است و در یک عبارت فطرتی توحیدی دارد.

هویت ناب مورد نظر در بسند تحول بنیادین که نقطه عزیمت هرگونه تلاش در اقدامات سازماندهی شدهٔ مریبان و فعالیت‌های اختیاری و آگاهانهٔ متریبان است، همان ریشهٔ محکمی است که تکیه‌گاه مطمئن انسان عاقل مومن، صاحب معلومات (عالم)، مسئولیت‌پذیر (اهل عمل) و متعلق به ارزش‌های الهی (با اخلاق) دانسته می‌شود.^۱

این هویت الهی مرجع ارزشی تصمیم‌سازی‌های انسان تلاشگر سازندهٔ تعالی خواه در عصر بحران هویت و گوهر و گم‌شدهٔ جهان و جوان امروز است. بشریت امروز با بحران هویت روبه‌روست. بحرانی که از حُفنه کردن هویت‌های ناتمام، معلق و بدلی و بیرون از فطرت برای وی به ارمغان آمده است.

تزلزل در اخلاق، گرایش به سوء مصرف مواد مخدر، فروپاشی نهاد خانواده، گم‌گشتگی و حیرانی و پوچی... محصول تحمیل‌هایی است که خارج از فطرت توحیدی بر انسان وارد شد؛ به طوری که اطمینان نفس، امید و شور زندگی را در او به ورطهٔ نابودی کشاند. برای انسان توصیف شده در قرآن کریم تنها تحول فطری و از درون^۲ قابل پیگیری و ارزشمند است. تحولی که در بستری پاکیزه (حیات طیبه) و با عمل صالح و انگیزهٔ الهی و در راهی استوار (صراط مستقیم) با تلاشی پایدار (جد و جهد و جهاد)... بر بنیاد تفکر و تعقل و خرد جمعی، هویتی با ویژگی‌های یادشده در توصیف انسان قرآنی، برای فرد انسان‌ها رقم خواهد زد.

محصول تربیت هویت‌محور جامعهٔ مدنی نبوی(ص) می‌شود که هم‌افزایی ارزشی روزافزون آن تصاعدی است که نمونه‌اش جامعهٔ مدینهٔ نبوی(ص) است. آن چنان که گوستاو لوبون فرانسوی در آغاز کتاب «تمدن اسلام و عرب» به شایستگی‌های آن اعتراف کرده و آن را این‌گونه ستوده است: «محمد(ص) در کمتر از ربع قرن عرب جاهل عاری از مدنیت را

لئوناردو داوینچی می‌گوید: «در اوایل فعالیت تصویرگری، اصحاب کلیسا تابلوی مسیح(ع) را به من سفارش دادند. آن‌ها کودکی را به‌عنوان مدل به من معرفی کردند و من چهرهٔ معصوم او را در تابلوی کودکی مسیح مدل کردم. در دورهٔ کهولت و بعد از چهل سال تصمیم گرفتم تابلوی شام آخر مسیح را نیز به تصویر بکشم. همه چیز فراهم شد اما چهرهٔ جانی بالفطره‌ای را که در ترسیم یهودای خائن لازم بود مدل قرار دهم، نداشتم. به سفارش کلیسا زندان‌های با اعمال شاقه را کاویدم تا اینکه تبهکاری منحصر به فرد را به‌عنوان مدل یافتم و از او درخواست همکاری کردم. سرانجام او با کمی تأمل در چشمانم، اعلام همکاری کرد... تابلو به سرانجام رسید. روز شکر از آن مدل، او مرا به خلوتی فراخواند و پرسید: آیا در این مدت مرا نشناختی؟ گفتم نه! یادم نمی‌آید تو را پیش‌تر ملاقات کرده باشم! بی‌معطلی گفت: استاد نقاش! من همان کودک معصوم چهل سال پیش هستم که برای تابلوی کودکی مسیح مدل تو بودم!» اینک با خود می‌اندیشم چگونه عوامل مختلف یک انسان **بالتوجه فطری** را از هویت معصومش تهی و به سرنوشتی دردناک دچار می‌کند؟ هویت نوزاد حیوان همان هویت پدر و مادرش است اما هویت نهایی نوزادهایی که هنوز پا به عرصهٔ زندگی نگذاشته‌اند، چه می‌شود؟

در مبنای نظری بسند تحول بنیادین، مهم‌ترین موضوع و مسئله در تعریف تربیت، **هویت** است؛ به عبارتی «تکوین و تعالی پیوستهٔ هویت»^۱ و این هویت آن هویت ملی و تعلق صرفاً سرزمینی نیست. چراکه هویت ملی اغلب بدون دخالت ما برای فرد فرد یک ملت شکل می‌گیرد و محقق می‌شود و از دست دادن آن تقریباً ناممکن است (چون که زاد بوم و جغرافیای زیستن فرد قابل انکار و پاک کردن نیست) ولی این هویت تکیه‌گاه پایداری برای احساس ارزشمندی در زندگی و مبنایی برای معنا بخشیدن به زندگی نیست. البته نادیده انگاشتن آن فرد را تا حدودی سرخورده و گم‌گشته می‌کند اما در عمق تأثیرگذار نیست؛ به‌نجوی که فرد را دچار پوچی و بحران معنا در زندگی می‌کند. در حالی که از دست دادن هویت انسانی یا به بیان مشهورتر، خود فراموشی و از خود بیگانگی (الیناسیون) یا همان از دست دادن ارزش و سامانهٔ ارزشی انسانیت با آدمی چه‌ها می‌کند!

به‌قول مولوی: زین دوهزاران من و ما ای عجا من چه منم؟ کدام

درگروه تحول

به آنچه در سال قبل روی داده است، فکر کرده‌اید؟ برنامه سال گذشته شما با توجه به موقعیت جغرافیایی و منطقه‌ای که در آن مشغول به کار بودید، چه خلأهایی داشت؟ کجای برنامه و فعالیت‌های سال گذشته کارآمد و کارساز بود و کدام بخش آن با رکود و عدم پیشرفت و نارسایی مواجه بود؟ چرا؟ به نظر می‌رسد که لازم است در شروع سال تحصیلی و حتی در صورت امکان پیش از شروع سال جدید نشست‌هایی در مدرسه داشته باشیم و صادقانه به نقد سالی که گذشت بنشینیم. چه کرده و چه نکرده‌ایم؟ به عبارتی، چه کارهایی را بایستی انجام می‌دادیم و انجام ندادیم و چه کارهایی را می‌توانستیم انجام ندهیم که انجام داده‌ایم؟ حتی اینکه چه کارهایی را انجام داده و به ثمر نشانده‌ایم. در این فرایند وضعیت و نقش ما به عنوان مشاور چگونه بوده است؛ سایرین چطور. فعالیت‌های مشاوره‌ای را گروهی تعریف می‌کنند. بنابراین، ضرورت دارد این نشست‌ها را با کادر اجرایی مدرسه داشته باشیم. از طرفی نقد کمک می‌کند تا هم نقاط قوتمان را بشناسیم و هم ضعف‌هایمان را. در تعریف نقد می‌گویند: فرایندی شناختی است که طی آن فرد به بررسی و ارزیابی اطلاعات موجود می‌پردازد و روندی منطقی است که در آن شرایط و شواهد موجود بررسی شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد؛ البته بدون تعصب و سوگیری و با در نظر گرفتن زوایا و جوانب مختلف.

و اما تصمیم‌سازی‌های مجله در سال جدید: ارائه بحث جدیدی با عنوان «تولید مقاله در عرصه مطالعات روان‌شناختی». سیاست کلی تحریریه مجله این بوده است که بیشترین مقالات پذیرش شده، از جانب مخاطبان اصلی مجله یعنی مشاوران باشد. بر این اساس، مقالات زیادی به دستمان می‌رسید که بسیاری از آنها انسجام لازم را نداشتند یا فاقد ساختار مقاله علمی بودند و کنار گذاشته می‌شدند. بنابراین، با ارائه این مطلب در پی آنیم که بگوییم این خلأ رفع شده و براساس همین ساختاری که ارائه می‌دهیم، مقالات تنظیم و تدوین می‌شوند و بر همین اساس نیز پذیرش مقالات صورت خواهد گرفت. دومین موضوعی که در این شماره به آن خواهیم پرداخت خانواده است. موضوع خانواده به نحوی در نظر گرفته می‌شود که هم نگاه و نگرش کلی خواهد داد و هم مباحثی کاربردی در حوزه های مختلف خانواده مثل آموزش خانواده، راهنمایی و مشاوره خانواده و خانواده درمانی را ارائه خواهد داد.

به سروری جهان رساند؛ بطوری که ملل متمدن را به خود متمایل کرد.» اینک در آستانه تحول و تلاش‌های جمعی خردمندان، عالمانه، مؤمنانه و مسئولانه در جهت تکوین و تعالی هویت الهی نسل فطرت قرار داریم. ان شاءالله با شرایط جدید و مهم همراه شویم و ببینیم که ما به عنوان مشاور چه باید و چه می‌توانیم بکنیم.

تصمیم‌سازی‌های سال جدید

به‌طور معمول، سال نو با بهار شروع می‌شود و بهار ما آموزش و پرورشی‌ها (اعم از دانش‌آموز، معلم، مدیر، مشاور و...) با ماه مهر است. هر شروعی با تصمیم‌گیری‌های جدید و انتخاب‌های حساب شده و تغییر و تحولات همراه است.

سال جدید برای ما مشاوران شروع تازه‌ای است که می‌خواهیم برنامه ریزی کنیم و تصمیمات جدیدی بگیریم. شما در پی چه تصمیم‌هایی هستید و اصولاً این تصمیمات بر مبنای چه اهدافی شکل خواهند گرفت؟ برنامه عملی‌تان چیست؟ این برنامه چقدر با واقعیات موجود همخوانی دارد. عوامل موفقیت برنامه را چه چیزهایی می‌دانید؟ موانع موفقیت در برنامه را چه چیزهایی می‌دانید؟ عوامل و موانع موفقیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ برنامه‌ای را که در نظر دارید، براساس چه ارزیابی‌ای تدوین شده است؟ یکی از مفروضه‌های مطرح در مورد انسان این است که انسان تنها موجودی است که گذشته و آینده را درک می‌کند. به عبارتی، گذشته را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد و از تجربه‌های مربوط به گذشته آگاه می‌شود و بر مبنای همین آگاهی، آینده خویش را طراحی و ترسیم می‌کند. جوانب مختلف را در نظر می‌گیرد تا ضرر نکند که هیچ، حتی برنامه‌ای رو به جلو داشته باشد که بتواند نیاز او را به پیشرفت پوشش دهد. بعد از تدوین برنامه‌ای با این شرایط فرصت این خواهد بود که برنامه را در مقوله‌های مختلف ببینیم. بخشی از این تصمیم‌سازی در ارتباط با تغییرات نگرش، احساسات و انگیزه‌ها و رفتارهایمان و بخش دیگر مسائل خانوادگی و بخش مهمی هم در زمینه شرایط شغلی و حرفه‌ای‌مان مطرح خواهد بود. آنچه در اینجا به آن می‌پردازیم، تصمیم‌سازی‌ها و تحولات درباره وضعیت کاری‌مان است.

آیا تا به حال به بررسی و ارزیابی برنامه سال گذشته پرداخته و اصولاً